



فصلنامه سیاستگذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰، صفحات ۱۷۴-۱۵۳

مقاله پژوهشی

تبیین اثرگذاری سیاستگذاری اقتصادی بر شاخص‌های کلان اقتصادی؛ مطالعه تطبیقی: ایران، عربستان، امارات و قطر

عباس مصلی نژاد^۱

استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۹/۴/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۱)

چکیده

خلیج فارس از دیرباز به دلیل منابع هیدروکربنی، بازار فروش تسلیحات و رقابتهای منطقه‌ای قدرتهای اصلی، موضوعی جذاب برای مطالعه محسوب شده است. اما در زمینه اثرگذاری سیاستگذاری اقتصادی بر مولفه‌های اساسی کمتر مورد توجه واقع شده است. در چارچوب رهیافت مطالعاتی دولت توسعه‌گرا و با توجه به نقش حیاتی دولت در توسعه و عدم توسعه فضا در محیط خاورمیانه، این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی در راستای تبیین اثرگذاری سیاستگذاری اقتصادی بر شاخص‌های کلان اقتصادی چون توسعه انسانی، رشد تولید ناخالص داخلی، بیکاری، تورم و ضریب جینی در کشورهای ایران، عربستان، امارات و قطر صورت گرفته و با استفاده از روش وزن دهی ساده (SAW)، کشورهای مورد مطالعه در مجموع شاخصها با هم مورد مقایسه قرار گرفتند. یافته‌ها نشان می‌دهد تفاوت‌های ایدئولوژیک و نحوه تعامل و کارکرد دولت در جایگاه کشورهای مورد مطالعه در رده بندی‌های جهانی اثرگذار بوده است. به گونه‌ای که قطر در امر سیاستگذاری اقتصادی متأثر از متنوع سازی اقتصادی و سیاسی موفقیت بیشتری در شاخصهای مدنظر بین کشورهای مورد مطالعه را کسب کرده است.

واژگان کلیدی: اقتصاد سیاسی، سیاستگذاری اقتصادی، دولت توسعه‌گرا، وزن دهی ساده.

مقدمه

کارکرد اقتصاد سیاسی مشتمل بر اصول حاکم بر تولید و توزیع کالا و خدمات در نظام های اقتصادی کشورها و بررسی نقش بازیگران سیاسی در کنترل فرایندهای ثروت آفرینی و تخصیص منابع عمومی در فضای جغرافیایی می باشد (لشگری، ۱۳۹۵: ۱۲۹). اقتصاد سیاسی بر دو بنیان اساسی استوار است. یکی از آنها ویژگی گروههای اجتماعی و دیگری از ویژگی های دولت حاصل می شود. (مومنی و زمانی، ۱۳۹۲: ۱۰). به بیان دقیق تر موضوع اقتصاد سیاسی عبارت از بررسی جریانهای اجتماعی و نهادهایی که از طریق آنها، گروههای معینی از طبقات منتفذ اقتصادی - سیاسی، تخصیص منابع تولیدی کمیاب را در جهت ایدئولوژی و منافع خود مهار می کنند. هر نظام های سیاسی، دارای اقتصاد سیاسی ویژه خود می باشد و مسیر تخصیص منابع کمیاب را میان رقابت کنندگان تعیین می نمایند (Edel, 2001, 67). به طور کلی کنترل ثروت و سرمایه و تولید در هر جامعه و به وسیله هر طبقه و صنفی به شکل گیری و تقویت شکل خاصی از اقتصاد سیاسی منتهی خواهد شد (Caporaso & Levine, 2013: 13). امروزه، امر اجتماعی با تمرکز بر مسائل مالی و اقتصادی در تحلیل های سیاسی و جامعه شناختی را نمی توان کنار گذاشت. مسائل مالی و اقتصادی با امر سیاسی و پویای های سیاسی و مبارزاتی و اعتراضات در پیوند است اما تنها عامل تأثیرگذار و نقش آفرین نخواهد بود (Clark & Harvor, 2010: 427). یکی از هوشمندانه ترین اقدامات مدیران و تصمیم گیران ارشد هر کشور، به کارگیری ابزارهای نرم در پیشبرد مقاصد و اهداف مدنظر است (محمدی فر و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۲۶). یکی از مهمترین وجوه این امر تلاش در راستای دستیابی به حداکثر مطلوبیت های اقتصادی برای حداکثر شهروندان است. چگونگی اثرگذاری سیاستگذاری اقتصادی به عنوان یکی از مهمترین پیشرانه های توسعه و عدم توسعه در جوامع امروزی از زوایای گوناگونی مورد مطالعه قرار گرفته است. اما رهگیری آن در محیط رقابتی خاورمیانه و بر اساس پنج مولفه اصلی اقتصادی (توسعه انسانی، رشد اقتصادی، ضریب جینی، نرخ بیکاری و نرخ تورم) تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو در این مقاله با توجه به جایگاه سیاستگذاری اقتصادی و در قالب رهیافت دولت توسعه گرا، ضمن بررسی اثرگذاری در پویایی های داخلی در شاخصهای اصلی مورد توجه - با ارتقای مقیاس مقایسه به سطح منطقه ای با تأکید بر منطقه خلیج فارس و بویژه کشورهای اصلی آن یعنی ایران، عربستان، ترکیه و قطر - در پی تبیین اثرگذاری کارکرد اقتصاد سیاسی فضا در چارچوب رهیافت تحلیلی دولت توسعه گرا است.

روش تحقیق

روش اصلی به کار گرفته شده در این مقاله توصیفی - تحلیلی است که با رویکرد تطبیقی ضمن بهره گیری از منابع کتابخانه ای و آمارهای در دسترس، در پی تحلیل اثرگذاری سیاستگذاری

اقتصادی در کشورهای ایران، قطر، امارات متحده عربی و عربستان سعودی در پنج مقوله توسعه انسانی رشد اقتصادی، ضریب جینی، نرخ بیکاری و نرخ تورم می باشد. همچنین برای تحلیل نهایی یافته‌ها از روش ساده وزنی (SAW) نیز استفاده شده است. مدل مجموع ساده وزنی، یکی از ساده ترین روش های تصمیم گیری چند شاخصه می باشد. با محاسبه اوزان شاخص ها، می توان به راحتی از این روش استفاده کرد. مراحل استفاده از این روش به قرار زیر است:

- کمی کردن ماتریس تصمیم گیری
- ضرب ماتریس بی مقیاس شده در اوزان شاخص ها
- انتخاب بهترین گزینه با استفاده از مدل زیر:

$$A = DN * W$$

$$A^* = \left\{ A_i \mid \text{Max} \sum_{j=1}^n w_j \cdot r_{ij} \right\}$$

مباحث نظری

اقتصاد سیاسی

در آثار مختلف حوزه علوم اجتماعی در خصوص این امر که اقتصاد سیاسی مفهومی پیچیده و مناقشه برانگیز است، اتفاق نظر وجود دارد؛ البته علیرغم وجود مناقشات، بسیاری از اندیشمندان در مورد اینکه اساسی ترین مسئله در ارتباط با اقتصاد سیاسی تعامل میان سیاست و اقتصاد یا به عبارت دیگر تعامل میان دولت در مفهوم مدرن آن و بازار شامل بازارهای ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی است، اجماع نظر دارند. موضوع اقتصاد سیاسی بحث پیرامون نحوه ارتباط میان حوزه سیاست و حوزه اقتصاد و هدف آن نیز ارائه تحلیل های اجتماعی، سیاسی و تاریخی از فرایندهای اقتصادی است. این در حالی است که هدف علم اقتصاد، بیشتر ارائه تحلیل های اقتصادی از فرایندهای فوق الذکر است. علاوه بر این بین این دو حوزه، از حیث مباحث فرافرضی - واحد تحلیلی مورد بررسی - نیز تفاوت آشکاری به چشم می خورد به این ترتیب که در سیاست - و اقتصاد تحلیل کنش از واحد تحلیلی بازیگر یا کارگزار سطح تحلیل خرد - آغاز می شود، در حالی که در اقتصاد سیاسی مبنای تحلیل، ساختارهایی است که فعالیت های سیاسی و اقتصادی در چارچوب آن صورت می پذیرد. این سطوح مختلف تحلیلی، برآیندهای گوناگونی را برای ماهیت زندگی اجتماعی قائل است به این ترتیب که از دیدگاه علم اقتصاد برآیند زندگی اجتماعی نیل به تعادل است در حالی که از منظر اقتصاد سیاسی تعارض ویژگی برآیند زندگی اجتماعی پنداشته می شود. از دیدگاه روش شناسی، علم اقتصاد بیشتر رویکردی اثباتی و فارغ از ارزش را تعقیب می کند و رسالت اصلی خود را کمی پذیری شاخص های اقتصادی رویکردهای تجربی و علوم انسانی می داند؛ در مقابل در اقتصاد سیاسی تاکید بر جنبه های هنجاری و کیفی

پدیده‌هایی است که مورد مطالعه قرار می‌گیرد بنابراین بیشتر رویکردی پس از اثبات گرایان را دنبال می‌کند (مصلی نژاد، ۱۳۹۸: ۶). اقتصاد سیاسی بخشی از دانش اقتصاد است که از رابطه میان سیاست و اقتصاد و بویژه از نقش قدرت سیاسی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی بحث می‌کند. به بیان دقیق‌تر موضوع اقتصاد سیاسی عبارت از بررسی جریانات اجتماعی و نهادهایی که از طریق آنها، گروه‌های معینی از طبقات منتفذ اقتصادی - سیاسی، تخصیص منابع تولیدی کمیاب را در جهت ایدئولوژی و منافع خود مهار می‌کنند (مومنی و زمانی، ۱۳۹۲: ۱۰). هر نظام‌های سیاسی، دارای اقتصاد سیاسی ویژه خود می‌باشد و مسیر تخصیص منابع کمیاب را میان رقابت‌کنندگان تعیین می‌نمایند (Edel, 2013, 67). به طور کلی کنترل ثروت و سرمایه و تولید در هر جامعه و به وسیله هر طبقه و صنفی به شکل‌گیری و تقویت شکل خاصی از اقتصاد سیاسی منتهی خواهد شد (Caporaso & Levine, 1992: 13). ساختار، روابط و فرایند‌های خاصی را در فضای جغرافیایی رقم خواهد زد (Skidmore, 2003:10). اینکه چه نوع سازوکار اقتصادی در جامعه برقرار گردد به این موضوع بستگی دارد که نهادها و بازیگران سیاسی چگونه انباشت سرمایه را سامان می‌دهند. بنابراین یکی از مباحث عمده اقتصاد سیاسی برنامه ریزی و تخصیص منابع مالی است، طبق این چارچوب سیاست و اقتصاد شبیه هم هستند زیرا هم در کارکردهای سیاست و هم در کارکردهای اقتصاد تخصیص و توزیع منابع نهفته است. بطوری که شکل‌گیری حکومت، نهادها و مستندات سیاسی (قانون و برنامه ریزی) در جهت حفظ نظم و توزیع بهینه منابع نظیر کالاهای عمومی و دستیابی به توسعه می‌باشد. نقطه مشترک تمام نظریه پردازان اقتصاد سیاسی مؤید اهمیت نقش سرآمدان اقتصادی و قدرتمندان سیاسی در توزیع و تخصیص این منابع می‌باشد (شارع پور، ۱۳۹۸، ۱۷۵). بنابراین اقتصاد سیاسی با چیزی بیش از بررسی کارکردهای محض اقتصادی، همانند عرضه و تقاضا و با حوزه‌های سیاست، جامعه‌شناسی و از جمله با سکونتگاه‌های جغرافیایی سروکار دارد (Gallaher, 2009:133). بدیهی است علم تخصیص بهینه منابع کمیاب، همواره توسط دولت‌ها و بازارها کنترل می‌می‌شود. با این وجود نظام سیاسی بویژه در الگوی حکمرانی بسیط نقش مقدم تری نسبت به بازار دارد و هر نوع عدم تعادل را از طریق قوانین و مالیات کنترل و حتی بازساخت می‌نماید. در حالی که نیروها و نهادهای اقتصادی الزاماً تابع عملکرد مقوله‌ای است که مارکسیست‌ها از آن تعبیر به انباشت سود یا قانون ارزش می‌نمایند (قانونی که تصریح می‌نماید هیچ فضایی تولید نخواهد شد مگر آنکه میزانی از سود مادی را در برداشته باشد)؛ لیکن قدرت سیاسی تا حدودی تابع اراده رهبران، ایدئولوژی و منافع حزبی است و از این رو ممکن است دولت‌ها را متعهد به فراهم نمودن و تولید فضایی نماید که الزاماً سودآوری نداشته باشد. ضمن اینکه نهادهای اقتصادی نیز دارای تجانس کارکردی در ایجاد انباشت سود نمی‌باشند و سود یکی از نیروها و اصناف ممکن است به متضرر شدن سایر فعالان و نیروهای رقیب بیانجامد (Saunders, 2003: 187). در دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا تأکید بر آن است که چشم انداز در

ارتباط تنگاتنگ با شیوه تولید اقتصادی و عملکرد نیروهای اجتماعی و سیاسی شکل می‌گیرد (Zieleniec, 2007:2). در اقتصاد سیاسی منافع ناهمگون گروه‌های اجتماعی، شکل‌گیری تضاد اجتماعی حاصل از سیاستگذاری، تأثیر بازتوزیع منابع بر قدرت سیاسی رقیب و دست‌کاری سیاسی بازارهای اقتصادی مطالعه می‌شود.

اقتصاد سیاسی داخلی و بین‌المللی

تعاملات اقتصاد سیاسی در هر دو عرصه داخلی و بین‌المللی جریان دارد. تمایز میان دو حیطه داخل و خارج، معطوف به بنیان‌های نظریه شکل‌گیری دولت‌های ملی و به ویژه مسئله حاکمیت ملی دولت‌های مستقل است. این امر از سوی صاحب نظران واقع‌گرای سیاست بین‌الملل مورد تأکید قرار گرفته است. امروزه با نفوذپذیر شدن حاکمیت ملی کشورها، به سبب گسترش ارتباطات بین‌المللی و شکل‌گیری الگوهای جدیدی از حاکمیت میان کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه، تمایز میان داخل و خارج به شدت تحت تأثیر قرار گرفته و مرزهای معنایی آن در حال تغییر و تحول است. با وجود این هنوز هم می‌توان در روابط اقتصادی به جنبه‌های اشاره کرد که نشان دهنده نقش دولت‌ها در روابط اقتصادی داخلی، منطقه‌ای و جهانی است. سرشت و قلمروی مشارکت یک کشور در اقتصاد جهانی به شدت متأثر از تصمیمات سیاسی اتخاذ شده در داخل مرزهای آن کشور می‌باشد. در درون مرزهای یک کشور گروه‌های مختلفی در عرصه روابط اقتصادی جهانی حضور می‌یابند که منافع آنها منجر به بروز کشمکش‌های سیاسی و در نتیجه بالاتر رفتن نقش دولت به عنوان مرجع نهایی حل منازعه در داخل خواهد شد. از یک سو دولت‌ها از طریق اتخاذ تصمیماتی درباره مالیات‌ها، نرخ بهره و تعرفه‌های تجاری بر مناسبات اقتصادی داخلی و فراتر از آن، تأثیر می‌گذارند و از سوی دیگر، میزان موفقیت آنها در افزایش رفاه اقتصادی به ماندگاری بیشتر آنان در راس قدرت می‌انجامد (مصلی نژاد، ۱۳۹۸: ۸). شکل‌بندی اقتصادی یک جامعه می‌تواند در حوزه زندگی شهروندی آن اثرگذار باشد. آثار کنش اقتصادی در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. از سوی دیگر در عرصه اقتصاد سیاسی، مناسباتی برقرار است که علی‌رغم میل و خواسته دولت‌ها و روندهای اقتصادی تأثیرگذارند. این دسته از مناسبات خارج از حوزه اقتصاد سیاسی داخل قرار می‌گیرد و تحت عنوان اقتصاد سیاسی بین‌المللی از آن یاد می‌شود. در واقع کشور‌های گوناگون از طریق مذاکره و توافق با یکدیگر وارد تعاملات اقتصادی می‌شوند. البته، برتری آنها در عرصه مناسبات قدرت نقش موثری در تعیین میزان دفاع‌شان از ورود بر عرصه مناسبات اقتصادی دارد. بر این اساس، مناسبات اقتصادی بر اساس میزان قدرت و نفوذ سیاسی کشورهای درگیر به دو شکل متصور می‌باشد: نخست، مناسبات اقتصادی میان دولت‌های قوی از جایگاهی ممتاز در عرصه مناسبات بین‌المللی داشته و از طریق ایجاد نهادهای همکاری دو یا چندجانبه، به تثبیت و ارتقای نقش اقتصادی خود می‌پردازند؛ مناسبات میان دولت

های قوی و ضعیف که در دوران سرمایه‌داری و اشکال مختلف از جمله امپریالیسم قابل مشاهده است (مصلی نژاد، ۱۳۹۸: ۹). با رویکردی نهادگرایانه، اگر زیرساخت سرمایه‌های سیاسی، حقوقی و فرهنگی، سرمایه‌گذاری و تولید را تشویق کند، موجبات توسعه و پیشرفت اقتصادی فراهم شود. عواملی نظیر بی‌ثباتی سیاسی داخلی و خارجی، همسویی سیاست خارجی برای توسعه اقتصادی، سلب مالکیت، فساد اقتصادی و اداری، انحصار، نامنی، شرایط سرمایه‌گذاری و تولید را شدیداً کاهش داده و موجب افت بهره‌وری عوامل تولید می‌شود (امیدی و قلمکاری، ۱۳۹۸: ۵۲۳). دولتی که تأمین زیرساخت‌های سیاسی-حقوقی توسعه اقتصادی را در کنار امنیت، از وظایف اصلی خود می‌داند در زیرمجموعه اقتصاد نهادگرا قرار می‌گیرد (کیوانی امینه، ۱۳۸۵: ۹۸).

دولت توسعه‌گرا

تحول دولت توسعه‌گرا عمدتاً مرتبط با چند رویداد تاریخ‌ساز؛ یعنی ظهور دولت‌های توسعه‌گرای کلاسیک در فاصله ۱۹۱۴-۱۸۷۰ در آلمان و ژاپن، رویش هسته مرکزی دولت توسعه‌گرای شرق آسیا پس از جنگ جهانی دوم و در نهایت، انتقال مدل دولت توسعه‌گرا به سایر کشورهای در حال توسعه در خاورمیانه، آفریقا و آمریکای لاتین، از دهه ۹۰ به بعد مرتبط با بستریایی چون تغییر محیط اقتصاد جهانی و پایان جنگ سرد است (جمشیدپها و تیموری، ۱۳۹۶: ۱۱۳). دولت توسعه‌گرا، در نقش ارتباط دهنده دولت و توسعه، سال‌ها پیش از آنکه در ادبیات دانشگاهی این حوزه مهم تلقی شود، نقش آفرین بوده است. هم‌زمان با رشد چشمگیر برهه‌های آسیا از یک سو و شکست نظریه‌های مبتنی بر بازار از سوی دیگر، و همچنین، رواج مکتب نوفایده‌گرایی و نئولیبرالیسم در بسیاری از کشورها و توجه مجدد به تأثیر دولت در اقتصاد و نهادگرایی نوین، این مفهوم نیز در ادبیات توسعه مدنظر محققان علوم سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریت قرار گرفت. (لاهورتیان، ۱۳۹۵: ۶۵) تاریخچه دولت توسعه‌گرا به قرن شانزدهم در هلند باز می‌گردد. دولت‌های بریتانیا، آلمان و ژاپن را نیز می‌توان از جمله دولت‌های توسعه‌گرا تا قبل از قرن بیستم دانست؛ البته ژاپن تنها دولت توسعه‌گرای قرن نوزدهم بود که وارد قرن بیستم شد (Bagchi, 2000: 413). در واقع می‌توان ادعا کرد که تجربه ژاپن و کشورهای شرق آسیا پس از جنگ جهانی دوم باعث شد، تحقیقات در زمینه نحوه عملکرد آنها گسترش یابد که این امر موجب پیدایش عبارت «دولت توسعه‌گرا» شد. پس از غلبه دیدگاه‌های کینزی، در دهه‌های میانی قرن بیستم که بیش از حد بر قابلیت‌های دولت تأکید داشت و نیز پس از موج دومی که اواخر دهه ۱۹۷۰، با واکنشی تند، در برابر موج اول، بر نارسایی‌های دولت تأکید داشت و الگوی غالب آن تکیه بر سازوکار بازار و دولت حداقلی بود، موج سوم هم از دهه ۱۹۹۰ که تا کنون ادامه پیدا کرده است نیز آغاز شد. در این موج بر لزوم هماهنگی دولت و بازار تکیه شد (اوانز، ۱۳۸۰: ۱۳). در واقع مفهوم دولت توسعه‌گرا ریشه در نهادگرایی دارد.

نهادگرایی در موج سوم در واکنش به نوفایده‌گرایان که در پی حداکثر رساندن منافع خود بودند، به منصفه ظهور رسید. با ظهور موج رکود و ناکارآمدی، در خلال دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی در کشورهای که خط و مشی‌های نئولیبرالی را پیگیری می‌کردند، لزوم بازنگری در فرضیات و همچنین ظهور موجی دیگر اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسید (پیشین : ۶۷). مفهوم دولت توسعه‌گرا را اولین بار چالمرز جانسون، برای مدل بنیانی نوع خاصی از دولت ارائه کرد که توسط سایر نظریه پردازان چون اوان و لفت ویچ به صورت گسترده‌تر مورد توجه واقع شد. لفت ویچ در کتاب سیاست و توسعه در جهان سوم تأکید می‌کند که ویژگی متمایز دولتهای توسعه‌ای این است که اهداف سیاسی و ساختارهای نهادینه شده و به ویژه بوروکراسی آن، به سوی توسعه سوق داده شده‌اند. در هسته مرکزی این دولتها، عوامل سیاسی به راهبردهای توسعه‌ای ضربت و فوری از طریق ساختارهای دولت، شکل داده‌اند (لفت ویچ، ۱۳۸۴: ۲). طرفداران دولت توسعه‌گرا دستیابی به توسعه را مستلزم وجود دولتی قدرتمند و دارای قدرت اجرایی فراوان می‌دانند (غفاری و ایگدر، ۱۳۹۶: ۱۰۳). در واقع یکی از وظایف اصلی دولت توسعه‌گرا، هدایت سیاست خارجی و داخلی در راستای توسعه اقتصادی است.

یافته‌های پژوهش

سیاستگذاران اقتصادی جهت تأثیرگذاری بر اقتصاد در جهات مورد نظر و نیل به اهداف اقتصادی، نظیر رشد اقتصادی و اشتغال کامل، از سیاستهای اقتصادی متعددی بهره می‌جویند (شاکری و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۷). بنابر لزوم مطالعه و اثرگذاری سیاستگذاری اقتصادی بر مولفه‌های اصلی اقتصادی در ادامه خطوط کلی سیاستگذاری اقتصادی کشورهای مورد مطالعه، مورد بررسی کلی قرار می‌گیرد.

سیاستگذاری اقتصادی در ایران

در تاریخ معاصر، سه گفتمان سیاسی اسلام‌گرایی، لیبرالیسم و سوسیالیسم با زاویه دید خاص و متمایز خود نقش به‌سزایی را در تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در فضای جغرافیایی ایران ایفا نموده‌اند. هر چند که کنش‌گری و اثرگذاری هر یک از این سه اندیشه در تحولات و وقایع مهم و اصلی ایران معاصر با شدت و ضعف همراه بوده است، اما در تمامی تحولات و رخدادها، اصلی تاریخ معاصر ایران، می‌توان ردپاهایی از هر یک از این سه اندیشه را پیدا کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی در ایران، شرایط اقتصاد سیاسی کشور به کلی دگرگون شده است که این دگرگونی بیش از هر چیز ریشه در جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک و سیاسی جمهوری اسلامی دارد که به کلی با اسلاف خود متفاوت می‌باشد. بنیادهای نظام بروکراتیک کشور در دوران پهلوی مبتنی بر روابط سیاسی و اقتصادی با نظام بین‌الملل و بویژه توسعه دولتی وابسته به غرب سازماندهی شده بود؛ نهادهای

اقتصادی مبتنی بر این اساس فعالیت می‌کردند که ایران کشوری در ارتباط و وابسته به غرب است و دولت باید بخش حداکثری اقتصاد را کنترل نماید. با پیروزی انقلاب اسلامی حلقه ارتباطی با دنیای غرب (که اساس فعالیتها و توسعه اقتصادی کشور بدان وابستگی جدی داشت) قطع شد و از این رو شرایط اقتصاد سیاسی پیش روی ما به کلی دستخوش تحول گردید. به فراخور قطع شدن پیوند محکم با دنیای غرب، بروز بحرانهای ساختاری، تبدیل شدن اتحاد استراتژیک با غرب به دشمنی آشکار و به طور خلاصه تغییر شرایط حاکم بر اقتصاد سیاسی کشور، سیاستگذاری کشور بازطراحی شد و برنامه ریزی مناسبی برای نهادهای اقتصادی کارگزار توسعه صورت پذیرفت و نهادهای برجای مانده از رژیم قبلی با تغییرات جزئی به فعالیت سنتی خود ادامه دادند، بدون آنکه توجهی به شرایط تغییر یافته اقتصاد سیاسی کشور داشته باشند و یا تحرکی برای ایجاد تحول در عرصه اقتصادی مبتنی بر شرایط جدید اقتصاد سیاسی تدارک ببینند (مصلی نژاد و احمدی معین، ۱۳۹۶: ۱۵۴). مؤلفه های مهم اقتصاد سیاسی ایران اثر گذار بر تحولات اقتصادی پس از انقلاب را می توان در قالب گزاره های ذیل خلاصه کرد:

- رواج تهدیدپذیری ج. ا. ایران و ایران هراسی در عرصه بین‌المللی: یکی از عوامل اصلی نامساعد شدن شرایط اقتصاد سیاسی کشور برای رشد سرمایه گذاری و از مهمترین موانع پیش روی افزایش قدرت ملی، تصویر ژئوپلیتیکی هژمونی طلب ارائه شده از کشور در عرصه بین‌المللی می باشد. این تهدیدپذیری سبب شده «انگیزه اصلی کشورهای حاشیه خلیج فارس برای خرید تسلیحات پیشرفته، مقابله با تهدید استراتژیک ایران باشد» (Grimmett and Kerr, 2012:14).
- عدم تناسب سیاستهای داخلی و خارجی با مفهوم توسعه گرایی: عدم اولویت یابی توسعه گرایی موجب اتخاذ سیاستهای نامتناسب با توسعه در دو حوزه سیاست خارجی و سیاست داخلی گردیده است. در حوزه سیاست خارجی، جمهوری اسلامی ایران نه توسعه گرا، بلکه تا حد زیادی ایدئولوژیک می باشد (ازغندی، ۱۳۸۹: ۷۴) که منجر به اتخاذ رویکرد رویارویی آرمان‌گرایانه و در نتیجه شدت یابی منازعات بین‌المللی پیش روی کشور شده است (رمضانی، ۱۳۸۶: ۶۲). این رویکرد که از آن تحت عنوان ستیزه جویی انقلابی یاد می شود، ناشی از رنجش عمیق و گسترده انقلاب ایران از رفتارهای سیاسی آمریکا بوده (متقی، ۱۳۷۹: ۴۵) و سبب می‌شود عمده توان کشور در حوزه سیاست خارجی صرف دفع تهدیدات شود. البته باید توجه داشت که بخش عمده ای از منازعات پیش روی ایران در حوزه سیاست خارجی، ناشی از تعارض بنیادین نظام جمهوری اسلامی به عنوان نظامی عدالتخواه و حامی مظلومان با نظام مسلط بین‌المللی است (مصلی نژاد و احمدی معین، ۱۳۹۶: ۱۶۴).
- عدم انباشت مؤثر سرمایه در اقتصاد ملی و عدم توفیق خصوصی سازی: سیاستگذاری های نامناسب موجب شده است به دلیل عدم شکل‌گیری انباشت مؤثر سرمایه در بخش خصوصی

واقعی، این بخش توان و تمایل چندانی برای ورود و سرمایه‌گذاری در حوزه‌های بزرگ تولیدی و دیربازده نداشته و بیشتر متمایل به سرمایه‌گذاری در حوزه‌هایی است که دارای بازده سریع باشند (مصلی نژاد و احمدی معین، ۱۳۹۶: ۱۶۵).

- تحریم‌های بلند مدت یک و چند جانبه: تحریم‌های آمریکا یکی از مهمترین مسائل اقتصادی، سیاسی و امنیتی ایران و برخی کشورها در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. در نگاه ریچارد نفیو معمار تحریم‌های همه جانبه علیه ایران، مهمترین شاخص‌های اقتصادی جهت نشان دادن میزان اثرگذاری تحریم در کشور هدف، نرخ بیکاری، نرخ ارز و نرخ تورم به شمار می‌رود. شایان ذکر است یکی از مقوله‌هایی که نفیو در خصوص الزامات اثرگذاری تحریم به آن اشاره می‌کند، ایجاد ادراک اثرگذاری تحریم و نگرانی آن در بین مردم می‌باشد (نفیو، ۱۳۹۷: ۸۹).

سیاستگذاری اقتصادی در عربستان سعودی

پیشینه اقدامات حاکمان سعودی در زمینه تنوع‌بخشی اقتصادی و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی در عربستان به دهه ۱۹۷۰ میلادی باز می‌گردد. در سال‌های گذشته، هر زمان که قیمت نفت پایین آمده است ضرورت اصلاحات اقتصادی بیشتر احساس شده است و زمانیکه قیمت نفت بالا رفته این ضرورت نیز به حاشیه رفته است. باوجود برخی موفقیت‌ها در زمینه ایجاد و توسعه صنایع پتروشیمی، پلاستیک سازی و ایجاد شهرک‌های اقتصادی در جبیل^۲ و ینبو^۳، اما هر بار به دلایل مختلف طرح‌های متنوع سازی اقتصادی و کاهش تکیه بر درآمدهای نفتی با شکست مواجه شده است (Kininnmont, 2017: 3-10). عربستان سعودی اگر چه هنوز هم سیاست حفظ و تقویت جایگاه خود در بازار جهانی نفت را دنبال می‌کند و این بازار در کنار توریسم مذهبی مهمترین بخش‌های تامین کننده ثروت ملی در این کشور هستند، اما مهمترین برنامه و دستورکار اقتصادی این کشور که دو بخش مزبور را نیز شامل می‌شود، طرح چشم انداز ۲۰۳۰ است. این طرح در ۲۵ آوریل سال ۲۰۱۶ میلادی توسط محمد بن سلمان ولیعهد پادشاهی سعودی اعلام شد. برنامه چشم‌انداز یک برنامه بلندمدت است که به‌مانند نقشه راه برای پروژه‌های و برنامه‌های اصلاحی متعددی است که همه سطوح اقتصادی و بخش عمومی را به منظور تنوع‌بخشی اقتصادی در برمی‌گیرد. به نظر می‌رسد طرح موسوم به چشم انداز ۲۰۳۰ داستان متفاوتی دارد؛ این برنامه از نظر کارشناسان، جامع‌ترین برنامه اصلاحی در طول تاریخ این پادشاهی است و در صورت اجرای شدن می‌تواند این کشور را به دوره پسا نفتی انتقال داده (NBK, 2016: 1) و این کشور را از وضعیت تک محصولی خارج کند. برای برنامه چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی، اهداف اقتصادی گسترده‌ای در نظر گرفته شده است که عبارتند از:

2 - Jubail

3 - Yanbu

- افزایش سهم بخش خصوصی از تولید ناخالص ملی (GDP) از ۴۰ درصد به ۶۵ درصد؛
- بهبود شاخص رقابت پذیری بازار اقتصادی عربستان از ۲۵ در سطح جهانی به ۱۰؛
- ارتقاء رتبه جهانی اقتصاد عربستان از ۱۹ به ۱۵؛
- افزایش منابع صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان سعودی از ۱۶۰ میلیارد دلار به ۲ تریلیون دلار؛
- افزایش مشارکت زنان در بازار کار از ۲۲ درصد به ۳۰ درصد؛
- کاهش نرخ بیکاری از ۱۱,۶ درصد به ۷ درصد؛
- افزایش سهم صادرات غیر نفتی از ۱۶ درصد تولید ناخالص ملی به ۵۰ درصد؛
- بهبود شاخص حمل‌ونقل و پشتیبانی در عربستان از رتبه ۴۹ در سطح جهانی به رتبه ۲۵ (Saudi Arabia Foreign Minister, 2017:14-16).

سیاستگذاری اقتصادی در امارات متحده عربی

اقتصاد امارات به درآمدهای نفتی وابسته است. پیش از کشف نفت، اقتصاد امارات به ماهیگیری، صنعت دریانوردی و صنعت مروارید وابسته بود. نفت در سال ۱۹۵۸ در امارات کشف و تولید نفت نیز از سال ۱۹۶۲ با ۱۴ هزار بشکه آغاز شد. در سال ۱۹۸۰ بخش نفت ۶۳ درصد و بخش غیرنفتی نیز ۳۶ درصد تولید ناخالص داخلی امارات را تشکیل می‌داد (Shadab, 2018: 58). هفتمین ذخایر اثبات شده نفت و گاز دنیا را در اختیار دارد که یک سوم اقتصاد آن را بخش نفت و گاز (Medleva, 2019: 4) و بخش غیرنفتی نیز حدود ۷۰ درصد تولید ناخالص داخلی امارات را تشکیل می‌دهد که شامل صنایع تولیدی، هتل و بازرگانی، املاک، ساخت و ساز، حمل و نقل و مناسبات و بیمه است (Al Hashimi, 2018: 7-9). رتبه ۱۳ جهانی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی متعلق به امارات است (Ibid: 12). توریسم نیز از جایگاه و نقش مهمی در اقتصاد امارات برخوردار بوده و دومی بعد از لندن، پاریس و بانگوک، چهارمین شهر بزرگ به لحاظ جذب توریست است (John, 31 December 2018). اگرچه امارات متنوع‌ترین اقتصاد در شورای همکاری خلیج فارس را در اختیار دارد، اما با این حال هنوز وابستگی زیادی به درآمدهای نفتی دارد. شیخ محمد بن زاید آل نهیان، ولیعهد امارات اعلام کرده است که اقتصاد این کشور تا سال ۲۰۵۰ دیگر به نفت وابسته نخواهد بود (Medleva, 2019: 5). امارات متحده عربی فاقد زمینه تاریخی و هویت سیاسی و اجتماعی نهادینه شده و طولانی است و از انسجام سیاسی و اجتماعی لازم برخوردار نیست. کم بودن جمعیت بومی و اصیل و افزایش تعداد اتباع خارجی در امارات از معضلات اساسی این کشور است. از منظر سیاسی و اجتماعی، امارات متحده عربی کشوری است که با چالش‌ها و مشکلات عمده‌ای مواجه است و طرح‌ها و برنامه‌های خاصی را برای حل و فصل این چالش‌ها دنبال می‌کند (شیرزادی، ۱۳۹۴: ۱۱۴). اولین دوره توسعه اقتصادی امارات متحده عربی از اوایل دهه ۱۹۷۰ و به دنبال افزایش چشمگیر بهای نفت آغاز شد (Abed Al and Hellyer, 1997:250). امارات متحده عربی دارای اقتصادی باز و نیز مازاد

تجاری بالاست. تلاشهای موفق برای متنوع سازی اقتصاد باعث شده است تا سهم نفت و گاز در اقتصاد این کشور به حدود ۲۵ درصد کاهش یابد. از زمان کشف نفت در امارات، در حدود ۳۰ سال پیش، تاکنون این کشور از منطقه‌ای محروم و بیابانی به کشوری ثروتمند و دارای سطح زندگی بالا تبدیل شده است. دولت برای اشتغال‌زایی و توسعه زیرساخت‌ها، هزینه‌های عمده‌ای را صرف کرده و فرصت‌های بسیاری را برای فعالیت بخش خصوصی ایجاد کرده است. دولت ابوظبی که بر اقتصاد امارات متحده عربی مسلط است، در سال ۲۰۰۸ برنامه توسعه اقتصادی راهبردی آن کشور را با عنوان «چشم انداز اقتصادی ابوظبی در سال ۲۰۳۰» منتشر کرد. بر اساس این برنامه، با تنوع بخشی به اقتصاد، تا سال ۲۰۳۰ رشد بخش غیرنفتی بیشتر از بخش نفت خواهد شد و اقتصادی دانش بنیان و هماهنگ با اقتصاد جهانی ایجاد می شود و دولت، ضمن تقویت بیشتر بخش خصوصی، نقش کمتری در اقتصاد آن کشور ایفا خواهد کرد. مناطق آزاد تجاری امارات، که در آن خارجی ها می‌توانند مالکیت داشته و از مالیات معاف باشند، کمک فراوانی به جذب سرمایه‌گذاران خارجی می‌کند (شیرزادی، ۱۳۹۴: ۱۱۶).

سیاستگذاری اقتصادی در قطر

قطر در سال ۱۹۷۱ پس از کسب استقلال از بریتانیا پا به عرصه حیات سیاسی جدید خود گذاشت و از آن تاریخ خاندان آل ثانی بر این کشور حکومت می کنند. پس از خروج بریتانیا در دهه ۱۹۷۰ از خلیج فارس قطر از فقیرترین کشورهای منطقه به حساب می آمد. شیخ خلیفه بن حمد، ۱۹۹۱، بهره برداری از منابع گازی مشترک با جمهوری اسلامی معرف به پارس جنوبی را آغاز کرد. با این حال، پیشرفت چشمگیر اقتصادی قطر از زمان شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی آغاز شد که در سال ۱۹۹۵ با کودتای سفید به قدرت رسید. شیخ حمد با تمرکز بر منابع هیدروکربنی توسعه اقتصادی این کشور را در قالب متنوع سازی اقتصاد در اولویت قرار داد، به نحوی که در دوران ۱۸ ساله حکومت وی این کشور به لحاظ اقتصادی، روند رو به رشدی را طی کرد و شاهد کمترین میزان بیکاری، تورم و فقر و در عین حال بالاترین میزان درآمد سرانه در جهان است (ساعی و عمادی، ۱۳۹۳: ۸). اوج گیری اقتصادی قطر در سالهای اخیر با تفاوتهای خیلی اندکی در سالیان اخیر تداوم داشته است. با توجه به منابع هیدروکرنی آن، این پیشرفت به صورت خود به خود رخ نداده است. بسیاری از از کشورها که از منابع بهره مند شده‌اند، نتوانسته‌اند به پیشرفت و توسعه دست پیدا کنند (Ibrahim & Harrigan, 2002: 2). قطر، طی یک دهه، از کشوری فقیر به قله اقتصاد جهانی رسید و صاحب بالاترین درآمد سرانه در جهان، در نیمه دوم دهه اول قرن بیست و یکم شد. شاخصهای اقتصاد قطر از سال ۲۰۰۵ به بعد، با رشدی چشمگیر به بالاترین سزح جهانی رسید، به نحوی که امروزه، دولت مزبور ضمن اینکه با مشکلاتی نظیر بیکاری، تورم و فقر مواجه نیست، در بازار انرژی جهانی، بازیگری قابل احترام

و در بخشهای اقتصادی نظیر گردشگری، آموزش و ورزش نیز خود را به رتبه های بالا در سطح جهانی رسانده است. رشد اقتصاد قطر در بخشهای مختلف، در درجه اول معلول منابع هیدروکربنی این کشور و در درجه دوم معلول اتخاذ سیاست متنوع سازی اقتصادی است (ساعی و عمادی، ۱۳۹۳: ۱۵-۱۶). با وجود اوقات دشوار، قطر همچنان یکی از رقابتی ترین و قدرتمندترین اقتصادهای منطقه است. قطر با توجه به ذخایر گازی خود، از کاهش قیمت نفت در مقایسه با سایر کشورهایی که به صادرات نفت بسیار متکی هستند و مجبور به تعدیل دردنک هزینه های عمومی هستند، چندان متأثر نشده است. دلیل وضعیت کنونی قطر در سایه سیاستگذاری های معطوف به آیند حاکم بر نظام برنامه ریزی این کشور است. قطر برای تنوع بخشیدن اقتصاد خود، یک برنامه توسعه بلندپروازانه و بلند مدت تحت عنوان چشم انداز ملی ۲۰۳۰ را تهیه کرده است و هدف و نهایی خود را ساختن قطر به عنوان استراتژی توسعه معرفی کرده است (QNV2030,2011:34). هزینه های زیربنایی مربوط به حمل و نقل، آموزش، ورزش، مراقبت های بهداشتی، ارتباط از راه دور و توریسم؛ بخشهای اصلی این طرح است. رشد اقتصادی سالم در مواقع ضعیف تر قیمت نفت نشان دهنده این است که استراتژی تنوع اقتصادی در حال حاضر موفقیت آمیز است. رشد غیر نفتی توسط بخش ساخت و ساز هدایت می شود و با تعهد جدید دولت برای هزینه کردن در راستای پروژه های کلیدی به منظور آماده سازی الزامات میزبانی جام جهانی ۲۰۲۲، هزینه های صورت گرفته در این راستا، محرک رشد اصلی اقتصاد خواهد بود. قطر در حال ساخت یکی از پیشرفته ترین سیستم های زیرساخت حمل و نقل چندوجهی در جهان است که از طریق آن؛ مردم، کالاها و اطلاعات با سرعت بیشتری در حرکت خواهند بود و این امر تضمین رشد اقتصادی طولانی مدت و پایدار را برای این کشور تسهیل خواهد کرد. خطوط هوایی قطر با مرکزیت فرودگاه بین المللی قطر با بیش از ۱۵۰ مقصد پروازی در سراسر جهان با ناوگان عظیم هواپیمایی با استفاده از آخرین هواپیماها، اثبات کننده جایگاه برتر این کشور در صنعت ناوگان حمل و نقل هوایی است (Al-Ghorairi,2020). یکی از مهمترین راهبردهای اقتصادی دولت قطر از سال ۱۹۵۵ به بعد، راهبرد «متنوع سازی» اقتصاد و هزینه کردن درآمدها هنگام انرژي در بخشهای غیر هیدروکربنی برای فاصله گرفتن از اقتصاد تک محصولی بوده است. سیاست متنوع سازی اقتصاد در بخشهای صنعت، ساخت و ساز، گردشگری و خرید سهام شرکتهای بزرگ و معروف بین المللی اجرایی شد (ساعی و عمادی، ۱۳۹۳: ۱۹). این متنوع سازی در حوزه اقتصاد به حوزه سیاست خارجی این کشور نیز تسری پیدا کرده است. به گونه ای که با یک رویکرد تعامل گرایانه و واقع بینانه، تقریباً با همه بازیگران سیاسی دارای روابط عاری از تنش - به استثنای عربستان - می باشد. قطر از نخستین اعضای اوپک و عضو هیئت مؤسس شورای همکاری کشورهای عرب خلیج فارس و همچنین عضو اتحادیه کشورهای عرب است. قطر از یک سو میزبان دفتر نمایندگی طالبان است و همزمان

بزرگترین پایگاه نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس را در خاک خود دارد. در هنگام حمایت از گروه‌های اسلام‌گرای مخالف بشار اسد، روابط نسبتاً نزدیکی با ایران و حزب الله لبنان دارد. از حماس حمایت می‌کند و همزمان با اسرائیل روابط سیاسی - امنیتی پنهانی دارد. همین سیاست، درهای باز و قدرت و نفوذ حاصل از آن باعث حساسیت و عصبانیت همسایگان سنتی‌تر قطر مانند عربستان و امارات شده است. این کشور روابط دوجانبه با کشورهای مختلف دارد. از جمله میزبان یک پایگاه هوایی مشترک آمریکایی-بریتانیایی به نام پایگاه هوایی العدید است. قطر در مذاکرات صلح افغانستان درگیر است و به طالبان اجازه تأسیس دفتر سیاسی در دوحه داده است. در جنگ داخلی سوریه، قطر، عربستان سعودی و ترکیه آشکارا از جیش الفتح، ائتلافی از گروه‌های پیکارجوی سلفی و سنی از جمله جبهه النصره و احرارالشام حمایت می‌کرد، هرچند بعدها این ائتلاف فرو پاشید (ixport.ir).

مقایسه تطبیقی کشورهای مور مطالعه در آمارهای منتخب

در ادامه به منظور تبیین چگونگی اثرگذاری مکانیسم‌های اثرگذار در اقتصاد سیاسی و سیاستگذاری ناشی از الزامات پیش گفته شده در پنج گزاره یعنی شاخص توسعه انسانی، رشد اقتصادی، نرخ بیکاری، نرخ تورم و ضریب جینی کشورهای مورد مطالعه به عنوان تبلور فضایی سیاستهای اجرا شده و پیگیری شده با استفاده آمارهای بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است.

شاخص توسعه انسانی

شاخص توسعه انسانی (HDI) چکیده اندازه‌گیری‌های توسعه انسانی است. این شاخص میانگین موفقیت‌های بدست آمده در یک کشور در سه بعد اصلی توسعه انسانی یعنی «زندگی طولانی و سالم»، «دستیابی به دانش» و «استانداردهای زندگی آبرومندانه» را اندازه می‌گیرد. شاخص توسعه انسانی، میانگین توسعه هندسی شاخص‌های نرمالی است که موفقیت‌های هر بُعد را اندازه می‌گیرند. جدول زیر نشان دهنده شاخص توسعه انسانی و رتبه کشورهای منطقه بر اساس آخرین گزارش در دسترس یعنی ۲۰۱۹ است.

جدول ۱ - وضعیت کشورهای مطالعه از نظر شاخص توسعه انسانی

کشور	شاخص توسعه انسانی	رتبه جهانی
ایران	۰,۷۹۷	۶۵
قطر	۰,۸۴۸	۴۱
امارات	۰,۸۶۶	۳۵
عربستان	۰,۸۵۷	۳۶

Source: <http://hdr.undp.org/en/content/2019-human-development-index-ranking>

در این شاخص، امارات متحده عربی در جایگاه نخستین کشورهای مورد مطالعه و پس از آن عربستان و قطر با فاصله اندکی قرار گرفته اند و ایران با تفاوت بیشتری در جایگاه چهارم منطقه و ۶۵ جهان قرار گرفته است.

رشد تولید ناخالص اقتصادی

یکی از مهم ترین شاخص های بررسی وضعیت اقتصادی هر کشور، رشد تولید ناخالص داخلی^۵ (GDP) است. بسیاری از اقتصاددانان توسعه، رشد اقتصادی را عامل اصلی توسعه یافتگی یک کشور و از بین بردن فقر و محرومیت و ایجاد رفاه اجتماعی می دانند (سبزه ای و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۸۶). در میان شاخص های اقتصاد کلان، تولید ناخالص داخلی از اهمیت ویژه ای برخوردار است (cbi.ir). سرانه تولید ناخالص داخلی، ارزش کل بازار برای تمامی کالاها و خدمات یک کشور در یک بازه زمانی مشخص تقسیم بر جمعیت آن کشور است. هر کشور اطلاعات خود را براساس پول ملی خود گزارش می کند اما برای مقایسه کشورها نیاز است که اطلاعات هر کشور به یک پول بین المللی تبدیل شود. ۲ روش رایج برای تبدیل سرانه تولید ناخالص داخلی به یک ارز مشخص عبارتند از: «سرانه تولید ناخالص داخلی براساس نرخ اسمی» و «سرانه تولید ناخالص داخلی بر حسب برابری قدرت خرید^۶». سرانه های یاد شده در سال ۲۰۱۷ برای کشورهای منطقه را می توان در قالب جدول زیر به نمایش گذاشت.

جدول ۲ - وضعیت کشورهای مطالعه از نظر تولید داخلی اسمی و برابری قدرت خرید (ارقام به دلار)

کشور	سرانه تولید ناخالص داخلی	رتبه جهانی سرانه تولید ناخالص داخلی	سرانه تولید ناخالص برحسب قدرت خرید	رتبه جهانی سرانه تولید ناخالص برحسب قدرت خرید	نسبت داخلی به اسمی
ایران	۲۰۲۰۰	۶۷	۵۰۳۵	۹۸	۳٫۸
قطر	۱۲۴۵۲۹	۱	۶۰۸۰۴	۷	۲
امارات	۶۷۷۴۱	۸	۳۷۲۲۶	۲۴	۱٫۸
عربستان	۵۴۷۷۷	۱۴	۲۱۱۲۰	۴۰	۲٫۶

منبع داده ها: صندوق بین المللی پول

لازم به توضیح است که، کشورهایی که تفاوت قابل ملاحظه ای میان سرانه تولید ناخالص داخلی به روش اسمی و به روش برابری قدرت خرید آنها وجود دارد، عمدتاً کشورهایی هستند که میزان یارانه پرداختی آنها به مصرف کنندگان نسبتاً بالا است. در واقع، یارانه هایی پرداختی تاثیر قابل توجهی در بالا رفتن میزان قدرت خرید مصرف کنندگان داشته، بدون اینکه منجر به افزایش درآمد واقعی خانوار شود (کریمی امیرکیاسر، ۱۳۹۷: ۳). در معیار فوق و بر اساس رتبه

5 - Gross Domestic Product

6 - Purchasing Power Parity

جهانی سرانه تولید ناخالص داخلی، قطر جایگاه نخست جهانی و منطقه، امارات رتبه هشتم جهانی و دوم منطقه و عربستان جایگاه چهاردهم جهانی و سوم بین کشورهای مورد مطالعه و ایران با رتبه ۶۷ جهانی و جایگاه چهارم بین کشورهای مورد مطالعه قرار گرفته است. اما با توجه یارانه‌های پرداختی کشورهای نفتی به طور عام و کشورهای مورد مطالعه به طور خاص رتبه جهانی سرانه تولید برحسب قدرت خرید که شرایط واقعی‌تری را نشان می‌دهد رتبه جهانی کشورهای با تغییراتی همراه است اگر چه این تفاوت در رتبه‌بندی منطقه‌ای آنها تأثیر نداشته است.

نرخ بیکاری

نرخ بیکاری در کنار رشد اقتصادی از مهم‌ترین شاخص‌های عملکرد اقتصاد کلان است. بیکاری و تورم دو عامل اساسی رشد فقر هستند و از آنجا که از اهداف اصلی توسعه ایجاد اشتغال و از بین بردن فقر است تلاش در جهت ایجاد اشتغال و رفع بیکاری در واقع یکی از اقدامات اساسی هر دولت در جهت فقرزدایی و ارتقای رفاه اجتماعی است. در ارتباط با نرخ بیکاری جدا از تفاوت مبانی محاسبه نرخ مورد نظر باید به اهداف توسعه پایدار نیز اشاره داشت که تصریح می‌دارد نرخ بیکاری فقط به اشتغال کامل محدود نیست، بلکه کیفیت اشتغال نیز مهم است و برابری و کار مناسب، دو بخش از پایه‌های توسعه پایدار هستند. جدول شماره ۳ کشورهای مورد مطالعه از نظر نرخ بیکاری بر اساس آخرین آمارهای بین‌المللی را نشان می‌دهد.

جدول ۳ - نرخ بیکاری کشورهای مورد مطالعه و رتبه آنها بر اساس کمترین نرخ

رتبه	نرخ بیکاری (%)	کشور
۶۰	۱۱٫۸	ایران
۸۹	۸٫۹	قطر
۲۰۲	۱٫۶	امارات
۱۲۶	۶	عربستان

Source: <https://www.indexmundi.com/g/r.aspx?v=74>

همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود امارات متحده در جایگاه ۲۰۲ جهان و چهارم، عربستان در جایگاه ۱۲۶ جهانی و سوم و قطر در جایگاه ۸۹ جهانی و دوم و ایران در رتبه ۶۰ جهان و اول بین کشورهای مورد مطالعه قرار دارد. ناگفته پیداست که در این شاخص رتبه‌ها به صورت معکوس باید در نظر گرفته شود.

نرخ تورم

تورم عموماً به معنی افزایش غیرمتناسب سطح عمومی قیمت‌ها در نظر گرفته می‌شود. در ادبیات اقتصادی از تورم به عنوان یک عامل مهم و اثرگذار بر نابرابری در توزیع درآمد یاد می‌شود. زیرا تورم از قدرت خرید درآمدها می‌کاهد و صاحبان درآمدهای ثابت و همه کسانی که نمی‌توانند درآمد خود را همراه با افزایش تورم بالا ببرند، آسیب خواهند دید (Galli & van der Hoeven, 2001). در جدول شماره ۴ کشورهای مورد مطالعه از نظر نرخ و رتبه تورم بر اساس آخرین آمارهای بین‌المللی مقایسه شده اند.

جدول ۳ - نرخ تورم کشورهای مورد مطالعه و رتبه آن‌ها بر اساس کمترین نرخ

رتبه	نرخ تورم (%)	کشور
۹	۲۱	ایران
۱۸۲	-۳,۱۲	قطر
۱۷۹	۱,۳	امارات
۱۱۴	۱,۶	عربستان

Source: <https://tradingeconomics.com/country-list/inflation-rate>

نکته جالب توجه ترکیب شاخص تورم و بیکاری است که فراهم کننده شاخص فلاکت است که از این نظر ایران در رتبه نخست، عربستان در رتبه دوم، قطر در رتبه سوم و امارات در جایگاه چهارم قرار دارد.

ضریب جینی

ضریب جینی شاخص معروف و رایجی برای اندازه‌گیری نابرابری توزیع درآمد است. شاخص جینی یا ضریب جینی، شاخصی اقتصادی برای محاسبه توزیع ثروت در میان مردم است. بالا بودن این ضریب در یک کشور معمولاً به عنوان شاخصی از بالا بودن اختلاف طبقاتی و نابرابری درآمدی در این کشور در نظر گرفته می‌شود. جدول شماره ۵ کشورهای مورد مطالعه از نظر ضریب جینی را نشان می‌دهد. توضیح اینکه هر چه عدد به یک نزدیک تر باشد نشان از نابرابری بیشتر و نزدیکی به صفر نشان از برابری بیشتر و کاهش شکاف طبقاتی است.

جدول ۵ - ضریب جینی کشورهای مورد مطالعه و رتبه آنها

رتبه	ضریب جینی	کشور
۳	۰,۴۴۴	ایران
۲	۰,۴۱۱	قطر
۱	۰,۳۲۵	امارات
۴	۰,۴۵۹	عربستان

Source: <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/rankorder/2172rank.html>

بر اساس شاخص جینی، امارات متحده رتبه نخست، قطر رتبه دوم ایران سوم و عربستان در جایگاه چهارم منطقه را به خود اختصاص داده‌اند. همانطور که در روش پژوهش اشاره شد، پس از گردآوری داده‌های مورد نظر در نهایت با استفاده از روش وزن دهی ساده در قالب گامهای چهارگانه ذیل کشورهای مورد استفاده مقایسه و طبقه بندی می‌شوند:

گام اول) تشکیل ماتریس تصمیم: ابتدا ماتریس تصمیم را مطابق جدول شماره ۶ تشکیل می‌دهیم.

جدول ۶ - ماتریس تصمیم

کشور	HDI	PPP	UNE	INF	GNI
ایران	۰,۷۹۷	۵۰۳۵	۱۱,۸	خیلی زیاد	۰,۴۴۴
قطر	۰,۸۴۸	۶۰۸۰۴	۸,۹	خیلی کم	۰,۴۱۱
امارت	۰,۸۶۶	۳۷۲۲۶	۱,۶	کم	۰,۳۲۵
عربستان	۰,۸۵۷	۲۱۱۲۰	۶	کم	۰,۴۵۹

مقادیر کیفی درایه‌های ماتریس فوق را با استفاده از روش طیف، کمی سازی می‌کنیم و آنگاه در قالب جدول شماره ۷ خواهیم داشت:

جدول ۷ - ماتریس کمی شده

کشور	HDI	PPP	UNE	INF	GNI
ایران	۰,۷۹۷	۵۰۳۵	۱۱,۸	۱	۰,۴۴۴
قطر	۰,۸۴۸	۶۰۸۰۴	۸,۹	۹	۰,۴۱۱
امارت	۰,۸۶۶	۳۷۲۲۶	۱,۶	۷	۰,۳۲۵
عربستان	۰,۸۵۷	۲۱۱۲۰	۶	۷	۰,۴۵۹

گام دوم) نرمال سازی (بی مقیاس سازی) ماتریس تصمیم: لازم است داده‌های جدول تصمیم کمی شده نرمال شوند و برای این امر با استفاده فرمولهای زیر برای شاخص‌های مثبت و منفی استفاده می‌کنیم.

$$r_{ij} = \frac{x_{ij}}{\sum_{i=1}^m x_{ij}} \quad \text{الف) برای شاخصهای مثبت:}$$

$$r_{ij} = 1 - x_{ij} \quad \text{ب) برای شاخصهای منفی:}$$

با توجه به فرمولهای فوق، ماتریس نرمال شده را می توان در قالب جدول شماره ۸ به نمایش گذاشت:

جدول ۸ - ماتریس نرمال شده

کشور	HDI+	PPP+	UNE+	INF+	GNI+
ایران	۰,۲۳۶۶۳۸۹۵۵	۰,۰۴۰۵۴۴۳۴۹	۰,۴۱۶۹۶۱۱۳۱	۰	۰,۲۷۰۸۹۶۳۸۸
قطر	۰,۲۵۱۷۸۱۴۷۳	۰,۴۸۹۶۲۴۳۵۱	۰,۳۱۴۴۸۷۶۳۳	۰,۴	۰,۲۵۰۷۶۲۶۶
امارت	۰,۲۵۷۱۲۵۸۹۱	۰,۲۹۹۷۶۲۴۵۱	۰,۰۵۶۵۳۷۱۰۲	۰,۳	۰,۱۹۸۲۹۱۶۴۱
عربستان	۰,۲۵۴۴۵۳۶۸۲	۰,۱۷۰۰۶۸۸۴۹	۰,۲۱۲۰۱۴۱۳۴	۰,۳	۰,۲۸۰۰۴۸۸۱

گام سوم) جهت تعیین ضریب اهمیت معیارهای مختلف، از ۳ نفر تصمیم گیرنده استفاده شده از آنها خواسته شده که برای هر یک از معیارها ضریب اهمیتی بیان کنند، به گونه‌ای که جمع این ضریب ها مساوی ۱ شود. نتایج اهمیت ضرایب را می توان در قالب شماره ۹ به نمایش گذاشت:

جدول ۹ - ضرایب اهمیت هر یک از شاخص‌ها

معیارها	HDI	PPP	UNE	INF	GNI
ضریب اهمیت	۰,۴۷	۰,۲۱	۰,۰۴۵	۰,۰۴۵	۰,۲۳

در واقع خروجی این گام که در قالب جدول شماره ۹ نیز آمده است بردار زیر است:

$$W = [w_1, w_2, \dots, w_n]$$

گام چهارم) در این مرحله با ضرب ماتریس نرمال شده تصمیم در بردار وزن شاخص‌ها، رتبه گزینه‌ها و در نهایت بهترین گزینه بدست می‌آید. فرمول زیر در واقع تعیین کننده خروجی وضعیت کشورهای مورد مطالعه است:

$$A^* = \left\{ A_i | \text{Max} \sum_{j=1}^n w_j r_{ij} \right\}$$

نتایج بدست آمده را می توان در قالب جدول شماره ۱۰ به نمایش گذاشت:

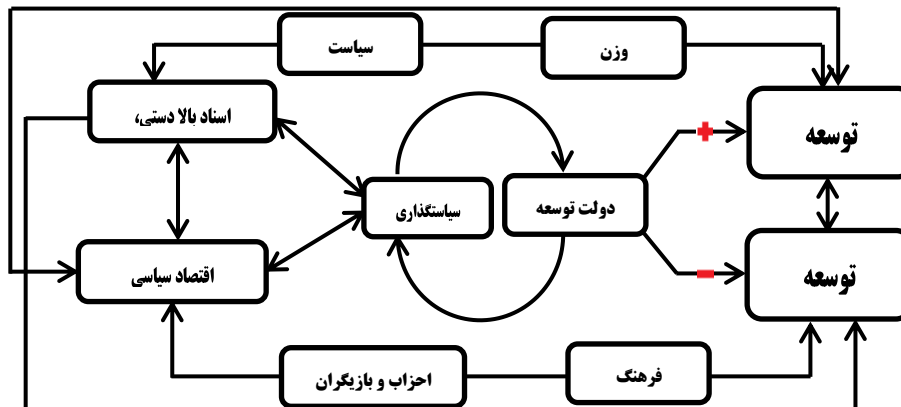
جدول ۱۰ - رتبه نهایی کشورهای منطقه در شاخص های مورد مطالعه بر اساس روش وزن دهی ساده

رتبه	امتیازات	کشور
۴	۰,۲۰۰۸۰۴۱۵۷	ایران
۱	۰,۳۱۰۹۸۵۷۶۱	قطر
۲	۰,۲۴۵۴۵۰۵۳	امارت
۳	۰,۲۴۲۷۵۹۵۱	عربستان

امتیازات کشورهای مورد مطالعه نشان می‌دهد که قطر در امر سیاستگذاری اقتصادی متأثر از متنوع سازی اقتصادی و سیاسی موفقیت بیشتری کسب کرده است.

نتیجه‌گیری

فضای جغرافیایی به عنوان محصول نهایی کنش مجموعه عوامل و عناصری است که با اثرگذاری خود بر کیفیت، محتوا و همچنین کارکرد های آن را معنا می‌بخشند. بعد سیاسی فضا به عنوان کانونی‌ترین وجه آن به عنوان یکی از اجزاء اصلی فلسفه جغرافیای سیاسی است. مطالعه اثرگذاری اقتصاد سیاسی بر متغیرهای اقتصادی متضمن درک دینامیسم سیاسی - فضایی است. فضای جغرافیایی به عنوان محصول کنش‌های انسانی در مکانهای جغرافیایی تحت تاثیر اندیشه- های متفاوت بازیگران آن به اشکال گوناگونی ظاهر می‌شود. ایدئولوژیهای سیاسی به عنوان نرم افزار هدایت‌گر عمل در فضای جغرافیایی تاثیرات خاص خود را بر جای می‌گذارند. عامل پیوند دهنده تاثیرات متقابل ایدئولوژی، سیاست و فضا؛ نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری است. از این رو پیامد هر نوع سیاستگذاری، به وسیله گروهها، افراد و سازمانها، شکل‌گیری یک فضای جغرافیایی ویژه است. تصمیم‌گیری‌ها در خلأ فکری صورت نمی‌گیرد بلکه هر تصمیم‌گیری از یک سیاست، ایدئولوژی و یا تفکر خاص تاثیر ناشی می‌شود. یعنی در هر تصمیم‌گیری، همه شرایط محیطی، فرهنگی و اقتصادی که تصمیم‌گیرندگان در داخل آن عمل می‌کنند تاثیر گذارند. با توجه به بنیادی بودن تاثیر عامل سیاست در پویایی‌ها و رخوت فضا، تفهیم فلسفه پرداختن به مقوله سیاستگذاری اقتصادی به عنوان پیامد سیاستهای پیگیری شده در طی زمان در جغرافیای سیاسی آسان‌تر می‌شود. بسیاری از تحقیقاتی که اخیراً بر روی تحرکات فضایی - اجتماعی صورت گرفته است، آشکارکننده نقش اساسی جریانها و شبکه‌ها در هماهنگ کردن فعالیت‌های اساسی است. در واقع جریانها تداعی‌کننده حضور تاثیرگذار سیاست و ایدئولوژی در شکل بخشی و معنا بخشی محتوایی و کارکردی به فضای جغرافیایی می‌باشد. رابطه فضا و سیاست یک رابطه دینامیک و پیش‌رونده است. فضا در کل شامل، محیط انسانی، محیط طبیعی، ساخت‌های مصنوعی، مردم و جامعه می‌شود. سیاست نیز همه قوانین و مقررات، بخشنامه‌ها، استراتژیها، سیاست‌های عملی و برنامه‌های توسعه را در بر می‌گیرد(قادری حاجت و حافظ نیا، ۱۳۹۷: ۲۸). رابطه متقابل سیاستگذاری اقتصادی و توسعه و عدم توسعه را می‌توان در قالب مدل ذیل ارائه کرد.



شکل ۱ - رابطه متقابل سیاستگذاری اقتصادی و رشد توسعه اقتصادی.

در تشریح مدل فوق در یک چارچوب سیستمی باید بیان داشت، اقتصاد سیاسی در هر کشوری با اسناد بالادستی و در رأس همه آنها ایدئولوژی و چشم اندازهای توسعه رابطه تنگاتنگی داشته و تعیین کننده سیاستگذاری اقتصادی دولتها و نهادهای اجرایی در چارچوب دولت توسعه‌گرا و ... می باشند. در صورت هم افزایی و همگرایی با عناصر چهارگانه که این مکانیسم را احاطه کرده‌اند، می‌تواند در یک فرآیند مثبت و سازنده به توسعه یافتگی منجر و در صورت برخورداری از یک فرآیند منفی و مخرب به توسعه نیافتگی و عقب ماندگی منجر شوند. عناصر چهارگانه محیط را می‌توان در سطوح داخلی و خارجی دسته بندی کرد که عناصر داخلی فرهنگ سیاسی و نحوه تعامل و کنش احزاب و بازیگران سیاسی را در بر می‌گیرد و در سطح فراملی در برگیرنده وزن ژئوپلیتیکی و اثرگذاری تعامل خارجی سیستم های سیاسی با جهان پیرامون است.

قدردانی

نگارنده بر خود لازم می‌داند از حمایت‌های مادی و معنوی معاونت پژوهشی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران که در راستای انجام مقاله حاضر به عمل آمده است، تشکر و قدردانی نماید.

منابع

- ۱ - ازغندی، علیرضا (۱۳۸۹). چارچوب‌ها و جهت‌گیریهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر قومس.
- ۲ - اوانز، پیتر (۱۳۸۰). توسعه یا چپاول، ترجمه عباس زندباف و عباس مخبر، تهران: انتشارات طرح نو.
- ۳ - جمشیدیها، غلامرضا و تیموری، سید رحیم (۱۳۹۶). روند تاریخی ظهور «دولت توسعه‌گرا» در ایران با تأکید بر دوره زمانی بعد از جنگ تحمیلی، دوفصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد (بهار و تابستان ۱۳۹۸، شماره پیاپی ۲۳)، صص: ۱۱۳-۱۵۵.

- ۴ - رمضانی، روح الله (۱۳۸۶). چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علرضا طیب، چاپ پنجم، تهران، نشر نی.
- ۵ - سبزه ای و دیگران، (۱۳۹۸). تحلیل و تبیین نتایج اقتصادی انقلاب اسلامی در مقایسه بین المللی با برخی از انقلاب های اجتماعی، مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل سال دوم بهار و تابستان ۱۳۹۸ شماره ۲.
- ۶ - شارع پور، محمود (۱۳۹۸). جامعه شناسی شهری، چاپ یازدهم، انتشارات سمت.
- ۷ - شاکری و دیگران. (۱۳۸۶). سیاستگذاری اقتصادی برنامه‌های توسعه در چارچوب یک الگوی کنترل بهینه، پژوهشنامه اقتصادی، ۷(۲۴)، صص: ۱۵-۴۶.
- ۸ - شیرزادی، رضا (۱۳۹۴). عوامل توسعه انسانی در امارات متحده عربی، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۴، ۱۰۷- ۱۲۴.
- ۹ - امیدوی، علی و قلمکاری، آرمین (۱۳۹۸). تحلیل رابطه سیاست خارجی توسعه گرایانه بر پیشرفت اقتصادی ترکیه، مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل سال دوم بهار و تابستان ۱۳۹۸ شماره ۲.
- ۱۰ - غفاری، مسعود، وایگدر، افسانه (۱۳۹۶). دولت توسعه گرا؛ پیشنهاد تحقق حکمرانی خوب. فصلنامه فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، دوره دهم زمستان ۱۳۹۶ شماره ۱ (پیاپی ۳۷).
- ۱۱ - کیوانی امینه، محمد (۱۳۸۵). آشنایی با مکتب نهادگرایی، فصلنامه اندیشه صادق، شماره ۲۲، ۹۱-۱۲۰.
- ۱۲ - لاهوتیان، علی (۱۳۹۵). دولت توسعه گرا و آینده آن در فرایند جهانی شدن. سیاست نامه علم و فناوری، ۶(۴)، ۷۶-۶۵.
- لشگری تفرشی، احسان (۱۳۹۵). قدرت سیاسی و فضای جغرافیایی: فلسفه اندیشی از رابطه سیاست و فضا، تهران، انتشارات: انجمن ژئوپلیتیک ایران.
- ۱۳ - لغت ویج، آدریان (۱۳۸۴). سیاست و توسعه در جهان سوم، مترجم علیرضا خسروی و مهدی میر محمدی، تهران: موسسه مطالعات فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
- ۱۴ - متقی، ابراهیم (۱۳۷۹). تأثیر تحریم های اقتصادی آمریکا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علوم سیاسی، دوره ۳، ش ۹.
- ۱۵ - محمدی فر، یوسف، احمدیان، قدرت و حشمتی، افشین (۱۳۹۸). پیامدهای برندیابی ملی برای جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر ابعاد سیاسی و اقتصادی، مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل سال دوم بهار و تابستان ۱۳۹۸ شماره ۲، صص: ۲۴۵-۲۷۶.
- ۱۶ - مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۳). سیاستگذاری اقتصادی مدل، روش و فرآیند، چاپ سوم، تهران، انتشارات: رخ داد نو
- ۱۷ - مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۸). اقتصاد سیاسی مبانی، کارکرد و فرآیند، چاپ پنجم، تهران، انتشارات: دانشگاه تهران
- ۱۸ - مصلی نژاد، عباس، احمدی معین، محمد مهدی (۱۳۹۶). شرایط اقتصاد سیاسی ایران و تأثیر آن بر الزامات طراحی الگوی توسعه پایدار اقتصادی، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاستگذاری عمومی، ۳۰، دوره ۲، شماره تابستان ۱۳۹۶، صفحات ۱۷۳-۱۵۳.
- ۱۹ - مؤمنی، فرشاد و زمانی، رضا (۱۳۹۲). تحلیل الگوی توسعه ایران بین دو انقلاب مبتنی بر اقتصاد سیاسی و نظم اجتماعی، راهبرد سال بیست و دوم زمستان ۱۳۹۲ شماره ۶۹، صص: ۷-۳۹.
- ۲۰ - نفیو، ریچارد (۱۳۹۷). هنر تحریم ها، نگاهی از درون میدان. مترجم: معاونت پژوهش های اقتصادی مرکز پژوهش های مجلس، کد موضوعی: ۳۴۰، شماره مسلسل: ۱۵۸۶۱.
- ۲۱ - سعایی، احمد و عمادی، سید رضی. (۱۳۹۳). تعامل اقتصاد، سیاست خارجی و امنیت دولت ذره ای قطر. مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۱۵(۵)، ۷-۳۹.
- ۲۲ - قادری حاجت، مصطفی، حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۹۷). راهکارهای دستیابی به عدالت فضایی در ایران، پژوهش های جغرافیایی سیاسی سال سوم بهار ۱۳۹۷ شماره ۹، صص: ۲۵-۵۷.
- ۲۳ - کریمی امیرکیاسر، فروغ (۱۳۹۷). جایگاه ایران در جهان به لحاظ سرانه تولید ناخالص داخلی، تاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران معاونت بررسی های اقتصادی، تهران، ایران.

- 25- Ibrahim & Harrigan F.(2012), Qatar's economy: Past, present and future, Q Science Connect 2012:9 <http://dx.doi.org/10.5339/connect.2012.9>
- 26- Al Abed, Ibrahim and Peter Hellyer (1997). United Arab Emirates: A New Perspective, London:Trident Press.
- 27- Al Hashimi Nada, (2018), the UAE and the World's leading Economies: Managing Challenges and Opportunities Amidst Global Change, available
- 28- at:<https://www.economy.gov.ae/EconomicalReportsEn/The%20UAE%20and%20the%20worlds%20leading%20Economies.pdf>
- 29- Alexander, Ernest R(1985). From idea to action: Notes for a contingency theory of the policy-implementation process. Administration & Society.
- 30- Bagchi, A. K. (2000). "The Past and the Future of the Developmental State", Journal of worldsystems research, vi, 2, pp. 398-442.
- 31- Caporaso, James A & Levine, David P. (1992). Theories of political economy. Cambridge University Press.
- 32- Clark, Terry N. & Harvey, Rachel. (2010). Urban Politics. in K.T. leicht & J.C.Jenkins (eds), Hand Book of politics and State and Society in Global Perspective. New York: springer publications
- 33- Edel, Matthew. (2013). Urban and regional economics: Marxist perspectives (Vol. 3). Taylor & Francis.
- 34- Gallaher, C., Dahlman, C. T., Gilmartin, M., Mountz, A., & Shirlow, P. (2009). Key concepts in political geography. Sage.
- 35- Grimmitt, Richard F. and Paul K. Kerr. (2012), Conventional Arms Transfers to Developing Nations. (2004-2011), 39-Washington D.C.: Congressional Research Service (CRS), Available at: <http://www.fas.org/sgp/crs/weapons/R42678.pdf>
- 36- Kinnimont, Jane (2017). "Vision 2030 and Saudi Arabias social contract austerity and transformation", Chatham House, Available at:
- 37- Medleva Valerie, (2019). Economy of the UAE: from a sandy desert into a global phenomenon, available at: <https://capital.com/economy-of-the-uae>
- 38- NBK (2016). "Saudi Arabia: Painful Economic Reforms about Plenty of Light at the end of the Tunnel", Available at: <https://nbkcapital.com/rpts/IA/01-MENA%20Strategy.KSA.OCT.2016.pdf>
- 39- Saudi Arabia Foreign Ministry. (2017). "Saudi Arabia and Political, Economic & Social Development", Available at: <https://www.saudiembassy.net/reports/white-paper-saudi-arabia-and-political-economic-social-development>.
- 40- Saunders, peter (2003). Social theory and the urban question. Social theory and the urban question. Routledge.
- 41- Shadab Saima, (2018). Economic Diversification in GCC Countries: A Case Study of the United Arab Emirates, available at:
- 42- https://www.researchgate.net/publication/336406945_Economic_Diversification_in_GCC_Countries_A_Case_Study_of_the_United_Arab_Emirates
- 43- Skidmore, David. (2003). International political economy: The struggle for power and wealth. Thomson/Wadsworth.
- 44- Wholey, Joseph S (2003), Evaluation and effective public Management, Boston : Little , Brown and company.
- 45- Williams, Kristen M (1999). The scope and prediction of recidivism, Washington. DC: Promis research project publication
- 46- Zieleniec, Andrzej (2007). Space and social theory, SAGE Publications Ltd.
- 47- Qatar General Secretariat for Development Planning. (2011). Qatar national development strategy 2011-2016. Towards Qatar National Vision 2030.
- 48- Human Development Index Ranking(2019). available at: <http://hdr.undp.org/en/content/2019-human-development-index-ranking>
- 49- R, Galli & Van der Hoeven, R. (2001). Is inflation bad for income inequality: The importance of the initial rate of inflation, EMPLOYMENT PAPER 2001/29, available at:
- 50- <http://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download;jsessionid=49B9BBE5D5951878FF2FFBDAE291101B?doi=10.1.1.200.9937&rep=rep1&type=pdf>
- 51- <https://ixport.ir/gatar-politics-and-economy/>
- 52- <https://www.cbi.ir/simplelist/4507.aspx>
- 53- <https://tradingeconomics.com/country-list/unemployment-rate>
- 54- <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/rankorder/2172rank.html>